

صرافى و صرافها

منحجم از اسناد حاج رحيم اتحاديه

منصوره اتحاديه، سعيد و حى

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

عنوان و نام پدیدآورنده: صرافى و صراف‌ها	سرشناسه: منصوره اتحادیه، ۱۳۱۲
مشخصات ظاهری: رقى، ۳۸۴، جدول	مشخصات: تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۵
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۰۸۲-۴۱-۵	وضعیت فهرست نویسی: فیا
۲۸۰۰۰ تومان	قیمت:
یادداشت: کتابنامه.	یادداشت: نمایه.
صرافی -- ایران -- تاریخ ۱۳۴۴-۱۳۹۳ق.	موضوع:
صرافی -- ایران -- تبریز -- ۱۳۴۴-۱۳۹۳ق.	موضوع:
اقتصاد -- ایران -- تاریخ ۱۳۴۴-۱۳۹۳ق.	موضوع:
موضوع: صرافى -- ایران.	موضوع: اقتصاد -- ایران.
قاجاریان ۱۳۴۴-۱۳۹۳ق.	موضوع: ایران -- تاریخ
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ص ۴ الف ۱/ HB۲۰۱	سناسه افزوده: زوجی، سعید، ۱۳۴۶
شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۷۸۹۲۷	نبدیدویی: ۳۳۵/۴۱۲



نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)

تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه دوم، شماره ۳۰۴، تلفن: ۶۶۴۶۳۰۳۰

صرافی و صراف‌ها

منصوره اتحادیه، سعیدروحي

ادیت و نظارت بر اجرا: نشر تاریخ ایران

طرح جلد: فریبا علایی

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: ...

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۰۸۲-۴۱-۵

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت:

۲۸۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۷	بخش اول، مقدمه
۳۵	یادداشت‌ها
۴۱	بخش دوم مقدمه
۵۷	یادداشت‌های
۶۱	منتخبی از متن اسناد حاج رحیم اتحادیه
	ضمائم:
۳۲۱	جداول
۳۴۳	تصاویر
۳۶۹	فهرست اعلام

مقدمه

تاریخ اقتصادی ایران در دوره قاجار نسبتاً ناشناخته است. مطالعاتی درباره تجارت به خصوص تجارت خارجی و نقش تجار انجام شده است، ولی مسائل مالی، ملکی، مالیاتی و سایر کلی مکانیزم معاملات تجاری و صرافی کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. تجارت و صرافی دو حرفه متفاوت بود ولی در عین حال مربوط به هم عمل می کردند. البته ممکن بود که تاجری به امور صرافی هم بپردازد یا صرافی در کنار حرفه خود، کار تجارت هم اشتغال ورزد، ولی در کل این دو حرفه متفاوت بودند.

صراف ها، هم نقش بانک و بورس ایفا می کردند و هم قسمت مالی و داد و ستد تجار به وسیله صراف ها انجام می گرفت. به علاوه صراف ها پول قرض می دادند و در مقابل ربا می گرفتند، به خرید و فروش و احتکار انواع پول های خارجی که در ایران رایج بود می پرداختند یا می فروختند. و از مال پول از محلی به محل دیگر را نیز بر عهده داشتند. تجار نسبت به صراف ها در رده بالاتر اجتماعی قرار داشتند. حاجی علی اکبر نویسنده نامه ها شاکای استبداد مردم از صراف ها متنفرند.

دو مقاله درباره صرافی تحت عنوان "مسائل صرافی از خلال سطور نامه های یک صراف" و "مسائل صرافی و تجارت در آغاز قرن ۱۴ق" در مجموعه مقالات کتاب "اینجا طهران است" منتشر شد.

این دو مقاله بر اساس تعدادی نامه از حاجی علی اکبر یکی از صراف های

تبریز خطاب به برادرش حاجی لطف‌علی در تهران تدوین شد که سالهای ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ را در برمی‌گرفتند. چند سال بعد از انتشار این دو مقاله تعداد دیگری از همین نوع نامه‌ها مربوط به سالهای ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ یافت شد و تصمیم گرفته شد که کل نامه‌ها در یک مجموعه چاپ شوند، اما متأسفانه به دلیلی به مشخص نشد تعدادی از نامه‌های قبلی مفقود شده بود. نامه‌های جدید سال‌های ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ را در برمی‌گیرند. بنابراین آنچه در دست داشتیم در این بنا منتشر می‌گردد. تعداد کل این نامه‌ها ۷۴ عدد می‌باشند که ۴۰ نامه مربوط به سال ۱۳۱۲ و ۳۴ نامه مربوط به سال ۱۳۱۳ می‌باشند. در این مقدمه سعی شده است مطالب تحریری باشد. بازخوانی، حروفچینی و همچنین خواندن سیاق نامه‌ها را آقای سعید رحیمی به عهده داشتند. در پایان مقدمه تعدادی جدول که نرخ ارز و بهره انواع پول‌ها را نشان می‌دهد، اضافه شده است.

حاجی لطف‌علی و حاجی علی‌اکبر فرزندان حاجی محمدباقر امین‌الضرب، پسر حاجی لطف‌الله تبریزی بود. حاجی لطف‌الله و برادرش حاجی هاشم که صراف بودند به روسیه سفر کرده و با بانک‌های جدید آشنا می‌شوند. حاجی محمدباقر پسر حاجی لطف‌الله برای آموختن سیم‌های بانکداری مدتی در روسیه به سر می‌برد که در مراجعت با عده‌ای از راه‌های تبریزی کارهای مقدماتی تشکیل یک بانک را انجام دادند ولی با مرگ حاجی لطف‌الله کار متوقف شد و حاجی هاشم هم از کارکناره گرفت. بطوری که خانم میلاد را به نوشته‌اند حاجی محمدباقر پس از فوت عمویش دارالضرب تبریز را تأسیس کرد و به ضرب مسکوکات پرداخت و به محمدباقر امین‌الضرب تبریزی معروف شد. وی مجدداً به فکر تأسیس بانک افتاد و با عده‌ای از صراف‌ها شرکت اتحادیه را در ۱۳۰۵ تأسیس کردند. از بین سهامداران شرکت، حاجی علی‌کوزه‌کنانی از همه معتبرتر بود. حاجی لطف‌علی و پسرش رحیم به عنوان نمایندگان شرکت به تهران رفتند. در ۱۳۱۶ شراکت حاجی لطف‌علی با کوزه‌کنانی به هم خورد ولی حاجی لطف‌علی و رحیم در تهران ماندند و مجدداً شرکتی به همان نام تأسیس

کردند.^۱ رابطه حاجی لطف علی با تبریز و با شرکت از طریق برادرش حاجی علی اکبر انجام می گرفت و هر دو برادر صراف بودند ولی تجارت مختصری نیز انجام می دادند، بخصوص رحیم پسر حاجی لطف علی از عمو می خواست که اجناسی برای فروش بفرستد، مانند کاغذ جقارا (سیگار) دختر نشان یا فنالیه که احتمالاً فلانل بود یا دوتی که شاید منظور دیت بود.

این دو برادر هفته ای چند بار از طریق نامه و گاه تلگراف با هم مکاتبه می کردند. نامه ها با چاپار ارسال می شد و تقریباً ۴ الی ۶ روز در راه بود، اجناس را با کاروان و به وسیله شتر می فرستادند. مطالب نامه ها همیشه مفهوم نیست. یک علت آن نحوه ای است که تجار و صراف ها با هم مکاتبه می کردند و اصطلاحات خاصی داشتند. همچنین حاجی علی اکبر شخص خیلی با سواد نبود و گاه منظور از آیه می نویسد به درستی روشن نیست. مشکل دیگر کیفیت نامه هایست که در بعضی نامطلوبی هستند و بعضی واژه ها به سختی خوانده می شود.

نامه ها از حاجی علی اکبر خطاب به حاجی لطف علی می باشند هر چند جواب های حاجی لطف علی را نمی دانیم اما حاجی علی اکبر در جواب برادر به بعضی سفارشات و یا سؤالات وی پاسخ می دهد. به نوع مکاتبه آن دو را مشخص می کند. ولی گاه معنی بعضی واژه ها یا بعضی مفاهیم روشن نیست چنانچه در چند نامه اشاره به خرید بلیط شمندوفر (راه آهن) است ولی معاروم نیست بلیط را به چه منظوری می خواستند.

به مطالب سیاسی اصلاً اشاره نمی شود، روابط خانوادگی هم مختصر است. چنانچه وقتی رحیم پسر حاج لطف علی با دختر یکی از صرافان به نام اسکویی ازدواج کرد، حاجی علی اکبر تبریک گفت و بیست نفر از تجار و صراف ها را به شام دعوت کرد و هدیه ای فرستاد و درباره آن نوشت که جهت رحیم آقا عید یانه

۱. تریبی فارسانی، سهیلا، تجار و مشروطیت و دولت مدرن، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۲۴؛ اتحادیه، منصوره، مسائل صرافی از خلال سطور نامه های یک صراف، اینجا طهران است، تهران، ۱۳۷۷، صص ۳۱۱، ۳۳۴.

۱ توپ قبا، جهت عروس، گردن‌بند طلا، ۲۰ عدد پنج‌هزاری و گل میان‌گردن بند فرستاده و اضافه می‌کند: «قبله‌گاه‌ها به جان حقیر گردن‌بند را به عروس اثقات فرمایید قناعت نکنید، لامحاله حقیر هم با این جزئی دلخوش باشم». حاجی علی اکبر فقط گاه به مسائل جنبی می‌پرداخت که اهمیت دارد. مانند تاراج بازار، بزه، کمبود نان و گران شدن گندم و یا کمبود قران و وضع بازار که قبلاً توضیح داده شده است، ولی در کل نامه‌ها دربارهٔ امور مالی است.

رابطهٔ بین دو برادر صمیمی بود و هر دو به یکدیگر اعتماد کامل دارند. بطور کلی حاجی لطف علی کارهای خود در تبریز را به حاجی علی اکبر سپرده بود. این دو برادر حساب سه‌سالی داشتند و هر معامله‌ای که یکی از طرفین انجام می‌داد توسط هر دو ثبت می‌شد. در پایان سال رسیدگی می‌کردند. در ۲ نامهٔ مفصل حساب را رسیدگی کردند که ماحدی میزان معاملات، طلب‌ها و بدهی‌های این دو برادر را بدست می‌دهد.

حاجی علی اکبر نسبت به برادر بزرگتر احترام بسیار قائل بود ولی گاه از او گله‌مند بود و درخواست خود را بارها تکرار می‌کرد که حاجی لطف علی انجام نمی‌داد و چنانچه بارها از او خواست که با او در هر روز مقداری برات علیه بخرد ولی ظاهراً حاجی لطف علی نخبریده بود. به نظر می‌رسد که حاجی لطف علی تندخو بود یا از کارآمدی او مطمئن نبود چون علی اکبر می‌نویسد که کار او را انجام خواهد داد: «خواطر جمع باشید نگرانی ندارد». همچنین به نظر می‌رسد که حاجی لطف علی از برادر محتاط‌تر بود. یک بار حاجی علی اکبر به او نوشت: «قبله‌گاه‌ها الی حال در فروش اهماال نمی‌فرمودید، عوض سال گذشته شده بود، چه فایده که ترسیده‌اید». حاجی لطف علی از برادر ثروتمندتر بود و یک منشی داشت ولی حاجی علی اکبر منشی نداشت و جزء صراف‌های متوسط بود.

حاجی علی اکبر بسیاری از صراف‌های تبریزی را نام می‌برد و از معاملات آنها خبر می‌دهد. اما هیچ‌جا از کوزه‌کنانی که شریک شرکت اتحادیه بود نام نمی‌برد و همیشه از اتحادیه یا حاجی علی آقامی نویسد. بعد از تعارفات معمول، حاجی علی اکبر اول از معاملات مشترکشان خبر

می‌داد و سپس از وضع معاملات دیگر تجار و صراف‌ها و سپس معاملات شخصی خودش را می‌نوشت. در هر نامه مظنه‌جات و شرایط بازار پول را توضیح می‌داد و همانطور که در مقالات فوق اشاره شده است اطلاعات وی حاکی از آشننگی بازار پول بود بطوری که صراف‌ها و تجار در معاملات سر درگم بودند.

یکی از نکات جالب توجهی که در این نامه‌ها منعکس است اهمیت بازار تبریز است و نقش رقابتی بانک شاهی با صراف‌ها است که جلوی ترقی بانک را می‌گرفتند. در این وقت بانک حضور سلطه‌ای بر بازار پول تبریز نداشت و به همان روش صراف‌ها عمل می‌کرد. بنابه نوشته جفری جونز که تاریخچه بانک را نوشته است از سال ۱۲۱۱ بانک شاهی رونق گرفت و در امور مالی ایران نفوذ بسیار یافت. مدت با صراف‌ها سعی کردند دسته‌جمعی با بانک مقابله کنند ولی ظاهراً عده‌ای همکاری نکردند. به علت رقابت صراف‌ها بین خودشان بالاخره بانک که سعی داشت اسکناس را راه اندازد بدهد برنده شد.

نامه‌های حاجی علی اکبر به علوی، از شکایت از بانک و عدم حمایت دولت، اسکناس در دست بانک بود. از این طریق می‌توانست فشار بر تجار و بخصوص صراف‌ها وارد آورد. بانک از طریق یک نفر به نام حاجی علی اکبر قونبانی (کمپانی) کار می‌کرد که بنابه گفته حاجی علی اکبر آدم بانک بود. در ۹ صفر ۱۳۱۳ نوشت: «هر چه قران در شهر بود همه را فاسد علی اکبر جمع کرده‌اند و آنچه برات علیه می‌فروشد می‌گویند اول قران‌ها را بدهد. بعد تلگراف را نوشته می‌دهیم. البته یک علت این کار بانک جلوگیری از هجوم تجار و صراف‌ها بود که تقاضای تبدیل اسکناس به قران کنند. در ۱۳۱۵ یک چنین اتفاقی افتاد و بی‌دون شک هدف بانک بیش از این بود و با جمع کردن قران، صراف‌ها را که به علت رفیای بانک بودند فلج می‌کرد. چنانچه حاجی علی اکبر تقریباً در همه نامه‌های خود اشاره به کمبود قران دارد. در ۲۰ صفر نوشت:

«قبله گاه بازار زیاده از حد بی پول است به صرافان از بی پولی خیلی بد می‌گذرد، بسکه صرافان بی پول‌اند. به هیچ تاجر برات نمی‌توانند بدهند. بدان

جهت به تجاران هم خیلی بد می‌گذرد.

از جمله اطلاعاتی که مرتب در همه نامه‌های حاجی علی اکبر تکرار می‌شود گزارش مظنه‌جات تبریز است. چنانچه می‌نویسد: «مظنه عدسه ۹۳۱ و ۳۲، برات عدسه با بیجک ۱۸۲ و ۸۳، برات علیه تلگرافی ۴ تومان ۶۵۰۰ دینار خریدار ندارد. مین مجیدیه ۴ تومان ۵۸۰۰ الی ۵۹۰۰ دینار. اسکناس با قران ۱ تومان ۵۸۰۰ دینار. امپریال با قران ۴ تومان ۱۸۰۰ الی ۲۰۰۰ دینار. صرف قران جدید ۲۵۰ دینار کساد است. برات تهران تلگرافی هرگاه باشد ۲۰۰ دینار بالا».

همانطور که ساره شد از جمله وظایف صراف‌ها علاوه بر ارسال برات خرید و فروش انواع سکه‌های مختلف بود. استفاده صراف‌ها در این بود که نرخ‌ها تغییر نکنند چرا که در سوا آنها، امیرگذار بود. طبعاً داد و ستد کند می‌شد و امکان داشت ضرر کنند. بانک که سکه را بر صراف‌ها تنگ کرد و چون بانک انحصار اسکناس را داشت برای تبدیل آن به قران صرف می‌گرفت که متغیر بود. ۱ تومان، ۷۱۰۰ دینار یعنی ۷/۹٪ قران جدید بود. چند روز بعد ۱ تومان، ۸۳۵۰ دینار یا ۸/۳ بود. یکی از علل گرانی قران جدید یا خروج آن از تبریز بود یا احتکار آن توسط صراف‌ها و بخصوص بانک قران‌ها. حاجی می‌کرد تا صرف اسکناس ترقی کند کاری که صراف‌ها هم می‌کردند ولی به مرور این بانک بود که پیشی گرفت. هر چند حاجی علی اکبر از وضع بازار تبریز شاکی بود ولی به نظر می‌رسد تجار و صراف‌های تبریز فعال بودند. علاوه بر تبریز، حاجی علی اکبر با عراق (اراک)، همدان، بروجرد و کرمان معامله داشت. عدسه‌ها را اسامبولی در تبریز بودند ولی ظاهراً وضع خوبی نداشتند.

از معاملات دیگر تجار و صراف‌ها هم اطلاع می‌دهد که گاه همکاری و رقابت می‌کردند.

از جمله مشکلات بازار پول وجود انواع پول‌های مختلف بود که قبه، قمیال، مجیدیه یا مجیدیه، علیه، عدسه، امپریال، لیره. نوسان صرف پول یا تبدیل هر کدام بازار را دستخوش آشفتگی می‌کرد.

دولت سعی داشت که یک نرخ را رسمی کند که مقدور نبود. چون صراف‌ها و

تجار همیشه پی روی نمی کردند و رقابت نیز قابل کنترل نبود.

دیگر از مشکلات وجود قران جدید و قران کهنه در بازار بود. قران جدید کمیاب بود و به این دلیل صرف آن بالا بود. در ۱۳ رجب ۱۳۱۲ صرف قران ۱۷۵ دینار بود. یعنی ۱۷/۵٪ تبدیل هر نوع پول مبلغی صرف داشت، مثلاً صرف قران جدید بین ۲۵۰ الی ۵۰۰ دینار در نوسان بود. برات تفلیس زیاد نبود و بین ۱۸۰ الی ۱۶۴ دینار بود. برات تهران ۳۵۰ دینار الی ۱۰۰ دینار بود.

تبدیل امپریال با قران از ۰/۲٪ الی ۰/۴٪ در نوسان بود. برات عدسه با قران از ۱۸۸ الی ۱۶۳ دینار بود. تبدیل اسکناس با قران از ۰/۱۷٪ الی ۰/۱۲٪ بود. برات علیه تلگرافی ۰/۰۶٪ با بیجک ۰/۰۴٪ با قران جدید هم ۰/۰۴٪ و با قران تلگرافی ۰/۰۵٪، تبدیل مجید با قران جدید از ۰/۰۷٪ الی ۰/۰۴٪ بود. مظنه عدسه زیاد نوسان نداشت. برات ۱۸۳۲ الی ۹۲۴ بود.

حاجی علی اکبر در نامه نامی خود از کساد و وضع بازار تبریز شاکه است. از آنچه او می نویسد ظاهر آن وضع صراف های متوسط خوب نبود، ولی از کل نامه ها به نظر می رسد که الحاح و اقتصادی بازار تبریز نسبتاً فعال بود. البته ما وسیله ای برای مقایسه با بازارهای دیگر مانند تهران و اصفهان نداریم و باید امیدوار بود که در آتی اسناد و مدارکی به دست آید تا بتوان این نوع مسائل را حل کرد.